

چرا فیلترینگ باید برداشته شود



قادر باستانی-تبریزی پژوهشگر علوم ارتباطات

در فلسفه سیاست، گاه بزرگترین خطا آن است که برای جلوگیری از یک خطر، دری را ببندی و از پنجره، همان خطر را با ابعادی بزرگ‌تر به خانه دعوت کنی. فیلترینگ در ایران، اگر برداشته نشود، دقیقاً چنین سرنوشتی خواهد داشت. مسئله این نیست که نیت و هدف ما از فیلترینگ چه بود، بلکه این است که نتیجه آن امروز چه شده است؟! دوستی شرکت‌های ارائه‌کننده فیلترشکن را بررسی کرده و نتیجه تکان‌دهنده‌ای گرفته است. آنها غالباً یا اسرائیلی هستند یا ارتباط مستقیم و غیرمستقیمی با اسرائیل دارند. این فهرست گسترده و پیوندهای آن با یک رژیم متخاصم، زنگ خطری جدی برای امنیت دیجیتال ایران است. در کنار این واقعیت، سرمایه‌گذاری میلیارد دلاری اسرائیل در این حوزه، به‌طور مشخص کشورمان را هدف قرار داده است. چون کشورهای دیگر اینترنت آزاد دارند و نیازی به این ابزارها ندارند، اما میلیون‌ها کاربر ایرانی به‌دلیل محدودیت ناچار به استفاده از فیلترشکن شده‌اند که خود می‌تواند مسیر نفوذ امنیتی شود. فیلترینگ ظاهر اقدامی داخلی برای محدود کردن دسترسی کاربران بوده است، اما در عمل به پیامدهای ناخواسته و چندلایه‌ای انجامیده: نفوذ به تلفن همراه ایرانیان، خروج درآمد‌های کلان به خارج از کشور و افزایش نارضایتی اجتماعی و مهاجرت جوانان. تجربه ماجرای پیچ‌ها در لبنان نشان می‌دهد الگو مشابه است: آنجاست افزایش ناآرامی و انفجار فیزیکی بود، اینجا نرم‌افزار و تهدید امنیتی. تبلیغات گسترده جذب نیروهای اطلاعاتی از طریق برخی فیلترشکن‌ها قابل توجه است. دلسوزان بارها هشدار داده‌اند که این ابزارها تهدید امنیتی و زبان اقتصادی جدی دارند. هرکسی که دغدغه امنیت ملی دارد، نمی‌تواند نسبت به ادامه این سیاست‌ها بی‌تفاوت باشد. فیلترینگ نه تنها مانع نفوذ نشده، بلکه زمینه را برای انتحال داده‌های حساس، تقویت مالی بازگران خارجی و محدود شدن روایت مستقل ایرانیان فراهم کرده است. واقعاً ادامه این روند، در خدمت امنیت ملی است یا ناخواسته به تقویت دشمن کمک می‌کند؟ فیلترینگ در ایران با نیت صیانت آغاز شد، اما امروز بیشتر شبیه سیاستی است که ناخواسته امنیت را تهدید و نارضایتی ایجاد می‌کند. ابزاری که قرار بود کنترل و مدیریت را ممکن کند، جامعه را به مصرف‌کننده اجباری فیلترشکن تبدیل کرده است: میلیون‌ها ایرانی، از دانش آموز تا استاد و کاسب، برای ساده‌ترین ارتباطات دیجیتال ناچار به استفاده از آن هستند و این ابزار خود به یک منطقه خاکستری امنیتی تبدیل شده است. بخش بزرگی از بازار چندده هزار میلیارد تومانی فیلترشکن‌ها به خارج از کشور منتقل می‌شود. حتی اگر همه ارائه‌دهندگان به رژیم متخاصم وابسته نباشند، خروج این حجم عظیم منابع مالی و داده‌ای یک آسیب راهبردی بزرگ است. داده‌های رفتاری کاربران، از الگوی مصرف رسانه‌ای تا مسیرهای ارتباطی، سرمایه‌ای کمتر از نفت نیست و واگذاری ناخواسته آن در مقیاس میلیون‌ها تصمیم کوچکی نیست. اما مسئله فقط امنیت سایبری نیست. فیلترینگ به‌شکل متناقض، به یک آسیب اخلاقی فراگیر هم انجامیده است. خانواده‌ای را تصور کنید که برای دسترسی فرزندان به یک محتوای آموزشی یا ارتباط ساده اجتماعی، ناچار به نصب فیلترشکن روی تلفن همراه می‌شود. این اقدام عملاً تمام لایه‌های کنترلی را از میان برمی‌دارد و دسترسی به محتوای نامناسب را نیز ممکن می‌کند. سیاستی که قرار بود سپر فرهنگی باشد، در عمل سپر را کنار زده و میدان را باز گذاشته است. در جهان امروز، کشوری که نتواند روایت خود را مستقیم به افکار عمومی جهانی منتقل کند، محکوم است که از زبان دیگران شنیده شود. فیلترینگ گسترده باعث شده صدای کاربران عادی، رسانه‌های داخلی و حتی مسئولان، به سختی به بیرون برسد. در حالی که رسانه‌های معاند، بدون مانع، به منبع اصلی خبر و تحلیل درباره ایران تبدیل شده‌اند. در این میان، تناقضی بنیادین رخ می‌دهد. اگر خطر نفوذ و تهدید امنیتی جدی است، آیا سیاستی که میلیون‌ها نفر را به استفاده اجباری از ابزارهای ناشناخته خارجی سوق می‌دهد، عملاً در همان مسیر حرکت نمی‌کند؟ آیا این، تقویت غیرمستقیم همان بازگرانی نیست که از آنها برای نگرانی می‌شود؟ پرسش از مسئولیت‌پذیری مدافعان سرسخت این سیاست، در همین نقطه معنا پیدا می‌کند. تاریخ سیاست‌گذاری پُر است از لحظاتی که ادامه یک مسیر، هزینه‌اش از تغییر آن بیشتر می‌شود. فیلترینگ ما به چنین نقطه‌ای رسیده است. بازنگری در این سیاست، نه عقب‌نشینی و نه تسلیم، بلکه نشانه عقلانیت و شجاعت حکمرانی است. راهکار روشن است: اینترنت آزاد و امن، با پلن‌های داخلی رقابتی و ارتقای سوا رسانه‌ای، جایگزین انسداد گور می‌شود و کشورمان را به مسیر درست بازمی‌گرداند.

عکس: رسول شجاعی، ایران

۱۶ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کریم‌سچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمد جواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



اعتمادی که قهرمانی ساخت

بررسی نیم فصل اول لیگ برتر ایران که با صدرنشینی سپاهان همراه شد



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

نیم فصل لیگ برتر فوتبال ایران با قهرمانی تیمی به پایان رسید که سرمربی‌اش در ابتدای فصل روزهای خوبی را پشت سر نمی‌گذاشت و در آستانه اخراج شدن قرار گرفته بود. «سپاهان» تیمی شایسته با هشت برد پیاپی توانست بالاتر از پرسپولیس، تراکتور و استقلال به مقام قهرمانی در نیم فصل برسد. تنها تیمی که موفق شد میانگین دو امتیاز به ازای هر مسابقه را کسب کند و البته تنها تیمی که در جمع مدعیان قهرمانی توانست در زمین اختصاصی و با کیفیت خودش مسابقه برگزار کند، پرسپولیس و استقلال که بیش از دو سال است خانه به دوش ورزشگاه‌های دیگر به جز ورزشگاه آزادی هستند و تراکتور نیز حالا به این جمع اضافه شده که نتوانسته انطور که باید، در ورزشگاه ۷۰ هزار نفری یادگار امام میزبانی داشته باشد. در این گزارش به بررسی اجمالی تیم‌هایی که شانس قهرمانی دارند می‌پردازیم؛ فصلی که احتمالاً قهرمانش در هفته پایانی مشخص خواهد شد.

▼ اعتماد به محرم

سپاهان در شی دراماتیک و نفس گیر، به لطف گل انزو کربولی در واپسین ثانیه‌های مسابقه، موفق شد چادر ملو اردکان را شکست دهد و با این پیروزی ارزشمند، عنوان قهرمانی نیم فصل نخست لیگ برتر فوتبال ایران را از آن خود کند. شاگردان محرم نویدکیا با این برد، تبدیل به اولین تیمی شدند که بیش از میانگین دو امتیاز به ازای هر مسابقه را به‌دست آورده است. دروازه سپاهانی‌ها تنها تیمی هستند که به لحاظ کسب میانگین امتیازی، در مسیر قهرمانی حضور دارند چون تیمی در پایان قهرمان می‌شود که حداقل میانگین ۲ امتیاز از هر مسابقه را به‌دست آورده است. سپاهان با این پیروزی ارزشمند مسیر رو به رشد خود را با هشت برد پیاپی ادامه داده است. شاید باورپذیر نباشد، اما این تیم با تساوی مقابل ذوب‌آهن در هفته ششم، در آستانه تغییرات روی نیمکت مربیگری خود بود. محرم نویدکیا، روی سکو با انتقاد شدید روبه‌رو شده بود و هیئت مدیره باشگاه در آستانه برکناری ایشان بود که در نهایت با فرصتی که به محرم داده شد، به یک باره مسیر باشگاه سپاهان به سمت موفقیت چرخید. اعتماد به مربی جوان و البته با تجربه‌شان باعث شد تا حالا سپاهان بیشترین شانس قهرمانی را داشته باشد. استقلال خوزستان، پیکان، شمس آذر، مس رفسنجان، فجرسیاسی، آلومینیوم اراک، فولاد خوزستان و حالا چادر ملو اردکان، قربانیان این سلسله پیروزی‌ها بودند؛ بردهایی که سپاهان را از میانه جدول به قله لیگ رساند. این در حالی است که سپاهان فصل را چندان امیدوارکننده آغاز نکرد و حتی در مقطعی تا رتبه‌های پایین جدول نیز سقوط کرد، اما ناگهان ورق برای این تیم برگشت. طلایی‌پوشان با تثبیت ترکیب، افزایش اعتماد به نفس و بهبود عملکرد فنی، به تیمی منسجم و آماده تبدیل شدند که حالا با بهترین فرم ممکن، خود را برای دیدار معوقه و بسیار حساس مقابل استقلال آماده می‌کند؛ مسابقه‌ای که قرار است ۱۱ دی ماه در ورزشگاه نقش جهان برگزار شود. دیدار یازدهم دی ماه برای استقلال‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد، چون آنها می‌توانند خودشان را در کورس قهرمانی نگه دارند. از سوی دیگر، سپاهان نیز با برابری مقابل شاهرگان سپینتو می‌تواند فاصله‌اش را با پرسپولیس افزایش دهد و با خیال راحت سراغ نیم فصل دوم برود. استقلال و سپاهان هر دو در سطح دوم آسیا حضور دارند و ۹ دی ماه قرعه‌کشی این رقابت‌ها نیز انجام می‌شود. احتمال تقابل با النصر و کریستیانو رونالدو نیز وجود دارد و به این ترتیب، سپاهان و استقلال پس از مشخص شدن سرنوشت آسیایی‌شان، با ذهنی روشن‌تر و انگیزه‌ای دوجندان، به مصاف هم در لیگ برتر خواهند رفت.

▼ بازگشت به روزهای خوب با اوسمار

پرسپولیس با وحید هاشمیان روزهای خوبی را نداشت و بعد از گذشت ۸ هفته فقط ۱۱ امتیاز کسب کرده بود اما حالا با ۲۸ امتیاز نایب قهرمان نیم فصل شد. با بازگشت اوسمار و بهر شخص است که بازکنان جان دوباره و تازه‌ای

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کریم‌سچی

• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمد جواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

▼ تراکتوری که در اوج نیست

شاگردان اسکوچیچ شنبه شب مقابل شمس آذر قعر جدولی هم نتوانستند به پیروزی برسند تا تساوی‌های پیاپی این تیم باعث شود تا تراکتوری‌ها از کورس قهرمانی جدا شوند. هفتمین تساوی فصل تراکتور در حالی رقم خورد که این تیم فصل گذشته و در نیم فصل فقط دو تساوی داشت و موفق به برتری مقابل ۱۰ تیم شده بود. اما حالا شاگردان اسکوچیچ فقط در پنج مسابقه به پیروزی رسیدند و همین امر باعث شده تا آنها با یک مسابقه کمتر رتبه چهارم را داشته باشند، هر چند پیروزی در بازی عقب افتاده هم کمکی به این تیم در بالای جدول نخواهد کرد. نیم فصل سال پیش تراکتوری‌ها ۳۲ امتیاز کسب کردند اما اسمال با فرض برتری در دیدار عقب افتاده به ۲۵ امتیاز خواهند رسید و حتی نمی‌تواند یکی از دو تیم بالانشین جدول لقب بگیرد. شاگردان اسکوچیچ این فصل مقابل مس رفسنجان، شمس آذر قزوین، ذوب‌آهن اصفهان، استقلال خوزستان، فولاد و فجرسیاسی به نتیجه مساوی رسیدند که همه این بازی‌ها با نتیجه تساوی صفر-صفر به پایان رسید. به عبارتی، خط حمله مخوف تیم در آگان اسکوچیچ نتوانسته دروازه این تیم‌های پایین جدولی را باز کند. نکته نگران‌کننده برای تراکتوری‌ها، ناکامی خط حمله این تیم مقابل تیم‌های قهرمانش جدول است که باعث شده تراکتور از روزهای اوج خود فاصله بگیرد. در جدول هفته چهاردهم تیم‌های شمس آذر، مس رفسنجان، ذوب آهن و فولاد در چهار رتبه پایین جدول قرار داشتند که تراکتور برابر این تیم‌ها از گلزنی و پیروزی ناکام بود. به عبارتی، پیکان و آلومینیوم تنها تیم‌های نیمه پایین جدولی بودند که از سرخپوشان تبریزی امتیاز ننگرفتند.

▼ ساینپتوروی لبه تیغ

استقلال هر چند در لیگ سطح دو آسیا موفق به صعود به دور بعد شد، اما در لیگ برتر نتایج پر نوسانی را کسب کرده است. این تیم که به روزهای خوب خودش برگشته بود به یکباره با سه تساوی پیاپی مقابل پرسپولیس، ملوان و خیبر از کورس قهرمانی عقب افتاد. یکشنبه شب، استقلال با شکست غیرمنتظره مقابل گل‌گهر به رتبه ششم سقوط کرد و حتی شایعه برکناری ساینپتو نیز به گوش رسید. هیئت مدیره باشگاه به ساینپتو اوتیما توم داده در صورتی که مقابل سپاهان شکست بخورد از هدایت این تیم برکنار خواهد شد. هر چند استقلال در جام حذفی و لیگ سطح دو آسیا به دور بعد صعود کرده اما نتایج این تیم در لیگ برتر آنطور که باید، مناسب نبوده که بتوانند در کنار امتیازگیری مناسب با رقبا فاصله ایجاد کنند. در نیم فصل دوم نیز با توجه به بسته بودن پنجره نقل و انتقالاتی باشگاه با توجه به فسخ‌های پیاپی یک طرفه با چهار بازیکن، ساینپتو نمی‌تواند تیم‌اش را برای دور جدید مسابقات تقویت کند. ضعف اصلی استقلال در قلب خط دفاع و درون دروازه است که فعلاً مشخص نیست با بسته بودن پنجره نقل و انتقالاتی، ساینپتو چه تصمیمی در این باره خواهد گرفت. البته سرمربی برتغالی استقلال مجبور است فعلاً با همین بازیکنان که البته با کیفیت نیز هستند بسازد تا فصل به پایان برسد. استقلال در خط حمله کیفیت بسیار خوبی دارد اما در خط دفاع و درون دروازه بسیار متزلزل نشان داده و همین امر باعث شد تا آنها از صدر جدول دور شوند.

یادنامه هنرمند

حذف عکاس از قاب

اخلاق دیدن از نگاه بهرام بیضایی



سعید کیایی عکاس

یادداشت بهرام بیضایی با عنوان «چگونه ساعتی عزیز شد!»، در ظاهر متنی است درباره‌ی کارنامه‌ی عکاسی عزیز ساعتی، اما اگر آن را صرفاً ستایش‌نامه‌ای دوستانه یا تأمل شخصی یک فیلمساز درباره‌ی یک عکاس بخوانیم، متن را به طرز جدی تقلیل داده‌ایم. بیضایی در این نوشته، آگاهانه یا نه، فراتر از توصیف موردی می‌رود و در حال صورت‌بندی نگاه خود به «عکس»، «تصویر» و نسبت آن با واقعیت است. برای بیضایی که تمام عمرش با مسئله‌ی نمایش، دیدن و نمایاندن درگیر بوده، عکس واحدی فشرده و بی‌واسطه از تصویر است؛ جایی که همه چیز با شدت بیشتری به محک گذاشته می‌شود؛ میزان دخالت خالق، نسبت تصویر با زمان و زوال و مهم‌تر از همه، اخلاق دیدن. پرسش محوری او در مواجهه با عکس‌های عزیز ساعتی، همان پرسش دیرینه است: تصویر چگونه می‌تواند واقعیت را نشان دهد، بی‌آن که به ادا، صحنه‌سازی یا تحمیل معنا آلوده نشود؟ اهمیت این یادداشت برای عکاسان، نه در داوری آنی درباره‌ی آثار عزیز ساعتی، بلکه در مجموعه‌ی معیارهایی است که بیضایی به‌مثابه متفکری درباره‌ی تصویر-برای «عکس خوب» استخراج می‌کند. این معیارها صریح، فنی یا آموزشی نیستند؛ اغلب سلیبی‌اند، اخلاقی‌اند و آشکارا در تقابل با عکاسی نمایشی، تکنیک‌زده و پر ادعای معاصر قرار می‌گیرند. بیضایی از همان آغاز تأکید می‌کند که با عکس‌هایی طرف است که «واقعی‌اند، نه ساخته یا دوباره‌سازی‌شده». این «واقعی بودن»، نه به معنای خام‌بودن، بلکه به معنای پرهیز از جعل، برک‌کردن و تحمیل خوانش است. عکس خوب از نظر او، چیزی را نمی‌سازد تا تأثیرگذار شود؛ آن چه هست را نشان می‌دهد، آن گونه که در جهان رخ داده است. در زمانی که عکاسی بیش از هر دوره‌ای به سمت بازسازی، دستکاری و نمایش می‌رود، این تأکید بر واقعیت، موضعی است آگاهانه و حتی ستیزنده. یکی از مفاهیم کلیدی این متن، ایده‌ی «حضور محو عکاس» است. بیضایی بارها به این نکته بازمی‌گردد که در عکس‌های عزیز ساعتی، خود عکاس دیده نمی‌شود. نه از آن رو که نگاه وجود ندارد، بلکه چون نگاه، خودنمایی نمی‌کند. عکاس در تصویر فریاد نمی‌زند «من این‌جا هستم». نتیجه آن است که مخاطب به جای مواجهه با خود وجودی عکاس، با خود واقعیت روبه‌رو می‌شود. این جا عکاسی بیش از آن که بیانی‌ی شخصی باشد، به نوعی میانجی‌گری فروتنانه بدل می‌شود. در ادامه بیضایی به ترکیب و توازن می‌پردازد، امانه به عنوان مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های آکادمیک. او از «چشم طبیعی» سخن می‌گوید؛ از ترکیبی که به‌زور زاویه‌های عجیب، لنزهای افراطی یا شیرجه‌های نمایشی به‌دست نیامده است. ارتفاع دوربین اغلب هم‌سطح انسان است؛ نه تحقیرکننده، نه قهرمان‌ساز. این نگاه، آشکارا در برابر وسوسه‌ی «متفاوت‌بودن به هر قیمت» می‌ایستد و دقت دیدن، نه شیطنت فرمی، تأکید می‌کند. پرهیز از ادا، اغراق و جلوه‌فروشی، استون دیگر این موضع‌گیری است. بیضایی صریح می‌گوید: شادی و اندوه شخصی عکاس، نباید به عکس تحمیل شود. موضوع نباید «روایی» یا «مجلل» شود تا تأثیرگذار، به‌نظر برسد. از این‌منظر عکاسی، نه ابزار تخلیه احساسات فردی است و نه میدان نمایش تبحر زیبایی‌شناسانه؛ بلکه تلاشی است برای وفاداری به صحنه، آن گونه که هست. در چنین نگاهی، تکنیک جایگاهی ابزاری پیدا می‌کند؛ نه هدفی مستقل، نه افکت‌های خیره‌کننده، نه زاویه‌های نامتعارف و نه تفندهای بصری مدروز. تکنیک تنها تاجایی معتبر است که به دیدن درست کمک کند. هشدار ضمنی بیضایی روشن است: وقتی ابزار بدل به موضوع می‌شود، عکس از مسیر خود منحرف شده است. این نگاه ممکن است محافظه‌کارانه به‌نظر برسد، اما در اصل واکنشی است به زمانی که فرم، جای است محافظه‌کارانه به‌نظر برسد، اما در اصل واکنشی است به زمانی که فرم، جای معنا را گرفته است. شاید مهم‌ترین مفهوم این یادداشت، تعبیر «گواهی به زوال» باشد. عکس‌های عزیز ساعتی، نه گزارش خبری‌اند، نه افشاگری و نه تبلیغ. آن‌ها شاهنده‌ی شاهد گذر زمان، فرسایش، دگرگونی و ناپایداری. این گواهی آرام است؛ پرسش هایش را فریاد نمی‌زند و پاسخ تحمیل نمی‌کند. عکس خوب از نظر بیضایی، کمتر می‌خواهد توضیح بدهد و بیشتر امکان تأمل فراهم می‌کند. از همین فاصله‌ی او با عکاسی ژورنالیستی، حادثه‌محور و مناسکی آشکار می‌شود؛ به فقر به عنوان سوزی آمده، نه جنگ، نه مراسم باشکوه و نه چهره‌های نامدار، مسئله «خلایقیت در حال وقوع» است؛ لحظه‌ای که چیزی شکل می‌گیرد یا در آستانه‌ی زوال است و عکاس آن را ثبت می‌کند، بی‌آن که با آشوب فرم یا دخالت آشکار جهت‌دهی کند. در نهایت بیضایی تصویری آرمانی از عکاس ترسیم می‌کند؛ فروتن، ساکت و متعادل. تعادل شخصی اوست که به عکس‌ها تعادل می‌دهد. عکاس در تصویر حل نمی‌شود، اما بر آن سایه هم نمی‌اندازد. عکس‌ها از چشم یک‌نفر دیده می‌شوند، اما به تجربه‌ای صرفاً فردی تقلیل نمی‌یابند؛ زمان در آن‌ها می‌گذرد، بر ما و بر عکاس. با این‌همه این نگاه بی‌مسئله نیست. معیارهای بیضایی عمدتاً سلیبی‌اند؛ بیشتر می‌گویند چه نباشد تا دقیقاً چه باشد. «حذف عکاس» به عنوان یک آرمان، در عمل دست‌یافتنی است؛ زیرا هر عکس، ناگزیر محصول نگاه عکاس است. افزون بر این، پرهیز افراطی از تکنیک و تجربه‌گری اگر به قانون بدل شود، می‌تواند عکاسی را به حوزه‌ای محافظه‌کار و کم‌خطر فروبکاهد و بخش بزرگی از عکاسی معاصر-از عکاسی صحنه‌سازی شده (staged) تا تجربی-را از پیش نامعتبر فرض کند. اما ارزش یادداشت بیضایی دقیقاً در آن جاست که قانون نمی‌نویسد، او دستورالعمل نمی‌دهد؛ هشدار می‌دهد. یادآوری می‌کند که عکاسی، پیش از آن که مهارت باشد، نوعی نسبت اخلاقی با جهان است. در زمانه‌ای که تصویر بیش از هر چیز «صدا» شده است، این متن با سماجت می‌پرسد: آیا عکس هنوز می‌تواند گواهی باشد؟